

الگوی عوامل مؤثر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان

مهران سهراب‌زاده^۱ و مژگان سعیدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲

چکیده

زمینه و هدف: جرائم اجتماعی روز به روز در حال افزایش هستند، در این میان توجه به جرائم کودکان و نوجوانان که از آن با عنوان بزهکاری یاد می‌شود، یکی از مسائل مدنظر پژوهشگران اجتماعی است زیرا جرائم کودکی نقش بسیار مهمی در مجرم شدن در بزرگسالی ایفا می‌کند و این موضوع ضمن اینکه آسیب‌هایی به جامعه وارد می‌کند، فرصت‌های شغلی تأیید شده جامعه را از افراد می‌گیرد و به زندگی آنان صدمه‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر، شناسایی و ارائه الگوی عوامل مؤثر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان است. روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد کیفی و از نوع فراترکیب است. جامعه آماری پژوهش حاضر نشریات علمی معتبر منتشر شده طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۸ است. نمونه پژوهش ۲۴ مقاله پژوهشی است که بعد از رتبه‌بندی مقالات، استفاده شدند. پس از استخراج عوامل مؤثر بر بزهکاری از بین ۲۴ پژوهش منتخب، ۳۸ عامل شناسایی و پس از تأیید خبرگان، در قالب هفت مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند. یافته‌ها و نتایج: الگوی عوامل مؤثر بر بزهکاری در قالب هفت عامل مشکلات خانواده، مشکلات نظام تعلیم و تربیت، مشکلات نظام قضایی، فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته، مسائل اجتماعی، مسائل فرهنگی و شرایط زیست شناسایی و ارائه شد. کلیدواژه‌ها: بزهکاری، کجروی، مشکلات خانواده، فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته، شرایط زیست.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی در جوامع مختلف پدیده بزهکاری است که به دلیل وسعت مفهومی آن (در برگرفتن موضوع‌های بسیاری از جرائم سبک و قابل چشم پوشی گرفته تا جرائم سنگین و دارای مجازات شدید) و شدت درگیری افراد با آن، بسیار مدنظر اندیشمندان اجتماعی قرار گرفته است. بزهکاری از کلمه لاتین به معنای فراموشی و غفلت گرفته شده است که موضوع‌های وسیعی را دربر می‌گیرد، اما در اصطلاح جامعه‌شناسی به این معنا است که از معیارهای پذیرفته شده رفتاری در یک جامعه مشخص از سوی عده‌ای از نوجوانان غفلت می‌شود (جلایی‌پور و حسینی‌نثار، ۱۳۸۷). برای فهم بهتر مفهوم بزهکاری بهتر است نگاهی به مفهوم جامعه‌پذیری و عناصر دخیل در آن داشته باشیم: جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن، از نظر لغوی به معنای انطباق با جامعه و آشناسازی با جامعه است (حق‌شناس، صامعی و انتخابی، ۱۳۸۷). در واقع جامعه‌پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا گرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵). جامعه‌پذیری دو مرحله دارد مرحله نخست که جامعه‌پذیری نخستین خوانده می‌شود، جامعه‌پذیری میان فرد و گروه‌هایی که با او در تماس نزدیک هستند صورت می‌گیرد (خانواده و همسالان). در جامعه‌پذیری دومین، وضعیت جامعه‌پذیری رسمی‌تر شده و عوامل جامعه‌پذیری مانند مدرسه و رسانه‌های ارتباط جمعی نقش خانواده را به عهده می‌گیرند. به طور مسلم جامعه‌پذیری به صورت کامل و تمام در میان همه افراد صورت نمی‌گیرد و نارسایی‌هایی در این بین مانع تحقق کامل جامعه‌پذیری افراد می‌شوند که شرایط را برای کجروی و بزهکاری آنان فراهم می‌کنند، از جمله در نهاد خانواده از هم گسیختگی خانواده (پورمحمی‌آبادی و زندرضوی، ۱۳۹۵) و کاهش تعهدات خانوادگی (حسن‌وند و حسن‌وند، ۱۳۹۰) می‌تواند سبب‌ساز بزهکاری افراد خانواده شود و یا در نظام تعلیم و تربیت

به عنوان یک نهاد رسمی جامعه‌پذیری، خشونت معلمان و اخراج از مدرسه (صالحی، پورمحمی‌آبادی و سالاری، ۱۳۹۱) می‌تواند زمینه‌های بروز بزهکاری در نوجوانان را تقویت کند و یا در بحث رسانه‌های ارتباط جمعی، فراغت‌های اینترنتی (ایمان، شیردل، انجم و شیردل، ۱۳۹۴) به معنای استفاده بیش از اندازه از اینترنت و کاهش استفاده سالم از آن زمینه‌های تقویت و شیوع بزهکاری را فراهم می‌آورد.

اگرچه در نگاه اول بزه، پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد ولی با توجه به پیامدهای سوء آن برای جامعه، باید آن را از جمله آسیب‌های اجتماعی به حساب آورد، بزهکاری به‌عنوان یکی از معضلات اجتماعی فراگیر در سطح جهان مطرح است که در ایران نیز در سال‌های اخیر کارشناسان و رسانه‌ها نسبت به بحرانی شدن این مسئله هشدار داده‌اند (اشرف، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶ به نقل از اسکندری چرآتی، ۱۳۹۶).

در کشور ایران، به دلایل محرمانه بودن این اطلاعات، به طور معمول داده‌های مربوطه یا در اختیار افراد و سازمان‌ها داده نمی‌شوند و یا با اغماض بسیار در اختیارشان گذاشته می‌شود، به همین دلیل خلاهای آماری برای بررسی دقیق بزهکاری وجود دارد، با این حال طبق اطلاعات موجود، میزان معتادان دستگیر شده در کل کشور طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۰، در رده سنی ۱۷-۱۰ ساله سیر صعودی داشته و از ۲۴/۷ نفر در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر به ۲۶/۵ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است، میزان دستگیر شدگان متهم به سرقت خودرو نیز سیر صعودی داشته و از ۶/۵ نفر در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر به ۱۷/۳ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است (آسیب‌ها و جرائم اجتماعی، ۱۳۹۰). به کرات ثابت شده است که رفتارهای فرد در بزرگسالی ریشه در رفتارهای او در کودکی و نوجوانی دارند، بنابراین کسانی که در نوجوانی دست به اعمال بزهکارانه می‌زنند (به دلیل تأثیر سوء مواجهه با محیط‌های نگهداری بزهکاران و برجسب‌هایی که در آینده می‌خورند)، در بزرگسالی نیز راهشان را ادامه می‌دهند، همچنین با توجه به تأثیر سرمایه انسانی در رشد و توسعه جوامع، بی‌توجهی به بزهکاری نوجوانان، سبب هدر رفتن سرمایه ملی و تباهی نیروهای جوانی می‌شود که از مهم‌ترین سرمایه‌های هر کشوری هستند. با

شناسایی مولفه‌های تاثیرگذار بر بزهکاری نوجوانان و در اختیار قراردادن نتایج این گونه پژوهش‌ها در خدمت جامعه علمی و متولیان امر، در صورت جدیت می‌توان گامی مؤثر برای کاهش و یا رفع این عوامل برداشت. در همین راستا هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۹۸) و طرح الگویی جامع در باب عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان است.

مبانی نظری

بزهکاری، به لحاظ اصطلاح حقوقی معادل جرم (هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل پیش‌بینی شده در قانون)، به ویژه در ارتباط با جرائم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان به کار گرفته می‌شود و از نظر جرم‌شناسان، بزهکاری کودکان و نوجوانان شامل همه خطاهای عمومی است که از سوی افراد بین ۱۲ تا ۲۰ سال ارتكاب می‌یابد (معظمی، ۱۳۸۹ به نقل از پورمحمی‌آبادی، ۱۳۹۵). لارنس اشتینبرگ معتقد است که برخی از پژوهشگران مرز نوجوانی را ۱۳ تا ۱۹ سالگی می‌دانند. اما وی نوجوانی را دوره‌ای می‌داند که از حدود ۱۰ سالگی آغاز و در اوان ۲۰ سالگی خاتمه می‌یابد (اشتینبرگ، ۱۳۸۴ به نقل از خواجه‌نوری و هاشمی‌نیا، ۱۳۸۹).

خانواده، گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش، با یکدیگر به‌عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل‌اند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۵). الگوهای فراغتی، مجموعه فعالیت‌هایی را دربر می‌گیرد که شخص به میل و انگیزه درونی خود، خواه برای استراحت و سلامتی، خواه برای تفریح و بازی، خواه برای گسترش اعتقادات، دانش و ذوق یا مشارکت آزاد اجتماعی یا بروز خلاقیت و توانایی، در زمانی فارغ از تعهدات و الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی انجام می‌دهد (ایمان و همکاران، ۱۳۹۴). در ادامه به برخی از نظریه‌های مرتبط با بزهکاری اشاره شده است.

نظریه همنشینی افتراقی: ساترلند نظریه پرداز نظریه یادگیری یا همنشینی افتراقی معتقد است که رفتار انحرافی در مصاحبت و معاشرت با هم‌نویان آموخته می‌شود. نظریه «همنشینی افتراقی» نمونه‌ای دیگر از تبیین‌های یادگیری است. این رویکرد را ادوین اچ ساترلند برای نخستین بار در سال ۱۹۳۹ و در نخستین ویرایش‌های کتاب خود با نام اصول جرم‌شناسی مطرح ساخت و به تدریج و با همکاری دونالدر کرسی، آن را در ویرایش‌های بعدی کتاب کامل کرد. پس از مرگ او، کرسی در ادامه این راه کوشید و کوشش‌های وی برای بهینه ساختن ابعاد این الگو، آن را به یکی از تبیین‌های ماندگار کج‌روی بدل ساخته است. در هر حال می‌توان دید که در آغاز راه، پژوهش‌های ساترلند درباره جرم‌های یقه‌سفیدان و دزدی حرفه‌ای، وی را به مخالفت با تبیین‌های متداول آن زمان یعنی تبیین‌های زیستی، روانی و ساختی اثبات‌گرا رهنمون ساخته است (سلیمی، داوری، ۱۳۸۵، ص ۳۹۹).

آنومی مرتون: مرتون انحراف و کج‌رفتاری را ناشی از گسستگی بین هدف‌های فرهنگی و وسایل نهادی شده برای میل به آن‌ها می‌داند. رفتار انحرافی وقتی رخ می‌دهد که شخص به این نتیجه برسد که جامعه موانعی را بر وی تحمیل می‌کند که مانع نیل او به هدف‌هایش می‌شود. این شخص علیه جامعه طغیان و سرکشی می‌کند، به نظر مرتون رفتار انقلابیون و اعتصاب‌کنندگان یک کارخانه نمونه‌ای از یک رفتار انحرافی است (ستوده، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸-۱۲۹). به نظر مرتون جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تاکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی به عنوان مهم‌ترین اهداف زندگی شخص و معیارهای منزلتی تجلی می‌کنند، دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولی هم دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است. یعنی جامعه طوری ساخت یافته که طبقات فرودست، فرصت‌های کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی تبدیل شده آن کس هم که دسترسی به ابزار مشروع ندارد تحت فشار جامعه برای دستیابی به آنها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند، البته مرتون تاکید دارد که واکنش همه افراد نسبت به فشارهای

وارد اجتماعی به علت دسترسی نداشتن به فرصت‌های مشروع برای تحقق اهداف مشابه نیست و همه فرودستان برای دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی کج‌رفتاری نمی‌کنند و هرکس به طریقی خود را با محیط سازگار می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳، ص ۱۳).

نظریه فرصت‌های افتراقی کلوارد و اهلاین: برخلاف تصور رایج، امکان اجرای همه نقشه‌های بزهکارانه به آسانی برای همه فراهم نیست. تنها در مناطقی که جرم و جنایت ریشه دوانده و نهادی شده است، شرایط یادگیری نقش بزهکارانه فراهم است. مهم‌ترین کار کلوارد و اهلاین این بود که نظریه‌های بی‌هنجاری دورکیم و بی‌سازمانی اجتماعی مرتون را به طور کامل گسترش دادند. آنها به تفسیر معنادار مهم‌تری نسبت به نظریه خرده فرهنگی پرداختند. این دو متفکر، انحراف را این‌گونه توضیح می‌دهند که از یک طرف، یک هدف فرهنگی فراگیر و جامع وجود دارد و از طرفی دیگر «ساختار فرصت‌های مشروع و نامشروع» که شخص توسط «هم‌کنشی ابزارهای نهادی شده و اهداف فرهنگی» در یکی از دو ساختار جا می‌گیرد. این دو جامعه‌شناس در اثر خود با عنوان «بزهکاری و فرصت» ادعا کردند دسترسی افراد برای کسب ارزش‌ها و ایفای نقش‌های اجتماعی، در ساختار فرصت‌های متفاوت صورت می‌گیرد (امین صارمی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶)؛ آنها گرایش جوانان به بزهکاری را برحسب ساختار فرصت مشروع و نامشروع مدنظر قرار داده و بر این باور بودند که بزهکاری از نظر اجتماعی به صورت خرده فرهنگ بزهکار نمایان می‌شود و به همان گونه که در خرده فرهنگ بهنجار، فرصت‌های مشروع وجود دارد، در خرده فرهنگ بزهکار هم فرصت‌های نامشروع برای رسیدن به هدف‌های فرهنگی وجود دارد و این خرده فرهنگ بزهکار، فرصت‌هایی برای آموختن و عمل کردن نقش‌های بزهکارانه را برای افراد فراهم می‌سازد. از آن مهم‌تر اینکه این خرده فرهنگ، الگوهای موفق بزهکاری را در معرض افراد قرار می‌دهد و فرصت‌های مناسب برای آنان فراهم می‌کند تا این الگوها را به کار ببرند. در جوامع سرمایه‌داری و صنعتی، برای فرصت‌های شغلی موجود، متقاضیان بسیاری با توانمندی‌های لازم برای احراز آن مشاغل وجود دارد؛ اما انتخاب افراد برای استفاده از

این فرصت‌ها گاهی وابسته به عواملی خارج از توانمندی‌های آنان است. عواملی چون قومیت، مذهب و طبقه اجتماعی می‌تواند در انتصاب افراد در مشاغل گوناگون نقش داشته باشد (احمدی، ۱۳۸۴ ص ۷۷).

نظریه برجسب‌زنی: در حقیقت نقاط ضعف و انتقادهای وارده به دیدگاه‌های آسیب‌شناسی، بی‌سازمانی اجتماعی، ستیزه‌ارزی و انحراف رفتاری، اساسی‌ترین خاستگاه بروز دیدگاه «برجسب‌زنی» در دهه ۱۹۶۰ برای تبیین مسائل اجتماعی به شمار می‌رود. این دیدگاه، نظریه‌ها و روش‌های اشاره شده را در تبیین انحرافات نارسا ارزیابی کرد و مدعی شد تا زمانی که تبیین انحرافات به اتکای دیدگاه‌های قبلی و روش‌های پیمایشی صورت می‌گیرد، نمی‌توان به ادراک صحیحی از مسائل اجتماعی دست پیدا کرد. به عبارت دقیق‌تر، دیدگاه «برجسب‌زنی» بیشتر به واسطه ضعف نظریه «رفتار انحرافی» در تبیین برخی مسائل اجتماعی رشد کرد و با نقد بینشی و روشی نظریه «رفتار انحرافی» مدعی شد مسائل اجتماعی بیش از آن‌که محصول شرایط ذاتی افراد یا خرده‌نظام‌های اجتماعی باشند، محصول شرایطی هستند که جامعه غالب تعریف کرده و از این حیث انحراف را جان می‌بخشند. از این منظر، منحرفان اجتماعی افرادی هستند که به نحو مؤثری نشان «انحراف» به آنها زده شده است. براساس این دیدگاه، مسئله اجتماعی مبتنی بر یک تعریف ذهنی است که مردم از آن دارند. زیرا انحراف چیزی نیست که به طور ذاتی در اشکال معینی از رفتار وجود داشته باشد؛ بلکه آنچه وجود دارد مصوباتی است که توسط ناظران مستقیم و غیرمستقیم این رفتارها وضع شده است. یعنی عامل مهم در تعیین انحراف، ناظران اجتماعی هستند که تصمیمی می‌گیرند چه عمل یا اعمالی مصداق بارز انحراف به شمار می‌آیند یا نمی‌آیند (محمدی اصل، ۱۳۸۵ ص ۱۹۱ - ۱۸۹). در حقیقت می‌توان گفت دیدگاه برجسب‌زنی با این فرض که جرم و رفتار مجرمانه یک روند اجتماعی است، آغاز شد. تأکید اصلی این نظریه درباره طبیعت و ماهیت رفتار متقابل یا کنش و واکنش بین بزهکار و بزه‌دیده و همچنین مقامات قضایی است. هر آنچه که جرم به حساب می‌آید، در واقعیت امر به وسیله عملکرد و فعالیت‌های نظام عدالت کیفری و مأموران آن

تصمیم‌گیری می‌شود. این به معنای آن است که تعریف نوع خاصی از رفتار به عنوان رفتار مجرمانه یا فرد خاص به عنوان مجرم، بستگی به این دارد که عمل برجسب‌زنی توسط چه کسی صورت گرفته باشد؟ نظریه برجسب‌زنی بیشترین کارکرد را در زمینه اجرای عدالت درباره نوجوانان دارد (وایت و هینس، ۱۳۸۲ ص ۱۲۳-۱۳۴).

نظریه ویلیام گود: ویلیام گود با استعانت از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی کننده، ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش‌یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کج‌رو دخیل می‌داند. ویلیام گود معتقد است خانواده کانون و هسته اصلی تشکل اجتماعی و به عنوان یک سیستم کوچک اجتماعی است که زیربنای جامعه بزرگتری را فراهم می‌کند. هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن تک تک افراد جامعه تاثیر قطعی دارند. به نظر گود، هنگامی که یک یا چند تن از اعضای یک خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند، گسیختگی خانوادگی به وجود می‌آید و این از هم گسیختگی باعث انحراف اعضای آن خانواده خواهد بود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۵۵-۵۸ به نقل از گود، ۱۳۵۲، ص ۲۴۹).

ساختار اجتماعی: بسیاری از جرم‌شناسان، وضعیت نابسامان اقتصادی طبقه را به عنوان علت اولیه جرم در نظر می‌گیرند، این دیدگاه به نظریه ساختار اجتماعی اشاره دارد و همانند گروه نظریه‌های ساختار اجتماعی معتقد است که نیروهای اجتماعی و اقتصادی در مناطق نابسامان طبقات پایین عمل می‌کنند و ساکنانشان را به سوی الگوی رفتار انحرافی سوق می‌دهند. وی معتقد است پسران طبقه پایین کارگر آرمان‌های موفقیت فرهنگ کلی جامعه را با خود دارند، اما بیشتر به علت شکست تحصیلی و در نتیجه به دست آوردن مشاغل بدون ارتقاء که ناشی از آن است، فرصت ناچیزی برای دستیابی به اهداف خود می‌یابند. این دست نیافتن به اهداف با در نظر گرفتن موقعیت آنها در ساختار اجتماعی قابل تبیین است.

کوهن از این نظر که محرومیت فرهنگی دلیل موجهی برای کمبود موفقیت تحصیلی اعضای طبقه پایین کارگری است، جانبداری می‌کند. بسیاری از پسران طبقه پایین کارگری به دلیل اینکه راه‌های موفقیت برای آنها مسدود است، از فقدان منزلت اجتماعی رنج می‌برند. آنها از پایین بودن پایگاه خود در جامعه، دچار حرمان و ناراحتی می‌شوند و با نپذیرفتن آرمان‌های کل جامعه، این محرومیت را جبران می‌کنند. آنها آرمان موفقیت متداول در کل جامعه را با هنجارها و ارزش‌های دیگری که بتوانند از طریق آنها موفقیت و وجهه کسب کنند، جایگزین می‌سازند. نتیجه این عمل، به یک فرهنگ فرعی انحرافی منتهی می‌شود.

کنترل اجتماعی: به عقیده هیرشی بزهکاری به عنوان یک مسئله اجتماعی باید در عرصه خانواده، محله، مدرسه، همسالان و سایر سازمان‌ها یا مؤسسه‌های اجتماعی که نوجوانان به نوعی در آنها عضویت دارند، بررسی شود. هیرشی معتقد است که بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود. در این راستا، هیرشی چهار عنصر زیر را به عنوان عناصر پیوند دهنده افراد به یکدیگر و جامعه و به تعبیر دیگر، چهار متغیر کنترل‌کننده رفتار معرفی می‌کند: ۱. دلبستگی، ۲. تعهد، ۳. درگیری، ۴. اعتقاد. نظریه کنترل هم در تحلیل و تبیین کج رفتاری‌های اجتماعی استفاده شده و از نظریه‌های با نفوذ حوزه جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی و جرم است. موضوع اصلی در این نظریه این است که کج رفتاری نتیجه فقدان کنترل‌های اجتماعی است.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد کیفی و از نوع فراترکیب است. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که یافته‌های سایر پژوهش‌های کیفی در زمینه یک موضوع را به عنوان داده به کار می‌گیرد؛ بنابراین، نمونه‌های مطالعه فراترکیب را پژوهش‌های کیفی تشکیل می‌دهند که محقق براساس سؤال پژوهی مورد علاقه، آن‌ها را وارد مطالعه

می‌کند (سندلوسکی^۱، ۲۰۰۷). این روش که در برخی مواقع از آن به‌عنوان فراتحلیل کیفی نیز یاد می‌شود، سعی دارد پژوهش‌هایی را که پوشش می‌دهد، تحلیل کرده و تناقض‌های موجود در ادبیات را حل کند و ضمن یکپارچه کردن نتایج، موضوعات اصلی را نیز برای تحقیقات آینده مشخص کند (کوپر و هدگز^۲، ۲۰۰۹، ص ۱۱۹). در پژوهش حاضر به منظور تلفیق یافته‌های موجود پیرامون موضوع پژوهش، از تکنیک فراترکیب استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش نشریات معتبر علمی است که طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۸ منتشر شده‌اند؛ نمونه پژوهش ۲۴ مقاله پژوهشی استاندارد است که بعد از رتبه‌بندی مقالات استفاده شدند. بدین منظور مقالات پذیرش شده در پایگاه‌های مرجع، مجلات علمی و پژوهشی و علمی تخصصی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۹۸) مدنظر قرار گرفت. پس از آن با در نظر گرفتن کلیدواژه‌های بزهکاری، کج‌روی، مشکلات خانواده، فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته و شرایط زیست، مقالات تا حدودی مرتبط استخراج شد. ملاک‌های انتخاب مقاله عبارت بودند از: محل چاپ مقاله (مقالات پذیرش شده در پایگاه‌های مرجع)، موضوع مدنظر (عوامل مؤثر بر بزهکاری)، حیطه کلی پژوهش (انحرافات اجتماعی)، روش پژوهش (فراترکیب)، محدوده زمانی پژوهش (پژوهش‌های ۱۱ ساله در باب انحرافات نوجوانان) و زبان مقاله (فارسی). کیفیت مقالات بر اساس ۱۰ معیار «هدف پژوهش، اصول و روش‌ها، ساختار پژوهش، نمونه، مرتب‌سازی داده‌ها، انعکاس‌پذیری، مبانی اخلاق حرفه‌ای، دقت پژوهش، تبیین روشن نتایج و نتیجه‌گیری کلی پژوهش» تعیین شد. پس از شناسایی عوامل مؤثر بر بزهکاری، براساس نظر خبرگان و با تایید متخصصان، از این عوامل برای ساخت الگو استفاده شد.

یافته‌ها

در مرحله تبیین و استخراج نتایج، عوامل مؤثر بر بزهکاری، مستخرج از پژوهش‌ها دسته‌بندی و فراوانی و منابع آن‌ها در جدول ۲ درج شد.

1. Sandelowski
2. Cooper and Hedges

جدول ۲. عوامل مؤثر بر بزهکاری

ردیف	مفهوم	منبع	فراوانی
۱	از هم‌گسیختگی خانواده	صالحی، جواد، پورمحمی‌آبادی، حسین، سالاری راد، معصومه (۱۳۹۱)؛ شایگان، فریبا، جبلی، معصومه (۱۳۸۹)؛ شایگان، فریبا، معتمدی، صدیقه (۱۳۹۳)؛ سیف‌الله، فرزانه، ملانیاجلودار، شهرام، زمانی راد، اسماعیل (۱۳۹۴)؛ پورمحمی‌آبادی، حسین، زند رضوی، سیدسیامک (۱۳۹۵)؛ سیفی قره یتاق، داوود، خالقی، ابوالفتح، مهدی پور، محمد (۱۳۹۴)؛ پورمحمدی، حسن، ماسوری، حامد (۱۳۹۲)؛ یعقوبی دوست، محمود، احمدی بآبادی، علی (۱۳۹۶).	۸
۲	آشفته‌گی خانواده (خشونت، اختلافات خانوادگی)	صالحی جواد، پورمحمی‌آبادی، حسین، سالاری راد، معصومه (۱۳۹۱)؛ شایگان، فریبا، جبلی، معصومه (۱۳۸۹)؛ صادقی فرد، مهدی (۱۳۸۹)؛ اسکندری چرآتی، آذر (۱۳۹۶)؛ الماسی، مسعود، محمد زاده، امید، ملکی، مصطفی (۱۳۹۲)؛ پورمحمی‌آبادی، حسین، زند رضوی، سید سیامک (۱۳۹۵)؛ نوری، زینب (۱۳۸۹).	۷
۳	کاهش کنترل و نظارت والدین	اسکندری چرآتی، آذر (۱۳۹۶)؛ سیف‌الله، فرزانه، ملانیاجلودار، شهرام، زمانی راد، اسماعیل (۱۳۹۴)؛ سیفی قره یتاق، داوود، خالقی، ابوالفتح، مهدی پور، محمد (۱۳۹۴)؛ حسن‌وند، احسان، حسن‌وند، اسماعیل (۱۳۹۰)؛ فاطمی، داوود، رحیمی، عارف، سعادت، موسی، عباسزاده، محمد (۱۳۹۵)؛ فتح‌الهی، سعید، جربانی، حمید، حسن‌وند، عباس، حسن‌وند، احسان (۱۳۹۱)؛ پورمحمدی، حسن، ماسوری، حامد (۱۳۹۲).	۷
۴	تضعیف باورها و اعتقادهای مذهبی	شایگان، فریبا، جبلی، معصومه (۱۳۸۹)؛ علی‌خانی بروجنی، حمزه، محمودی برام، احمدرضا (۱۳۹۰)؛ صادقی فرد، مهدی (۱۳۸۹)؛ سیف‌الله، فرزانه، ملانیاجلودار، شهرام، زمانی راد،	۱۱

ردیف	مفهوم	منبع	فراوانی
		اسماعیل (۱۳۹۴)؛ حسن‌وند، احسان، حسن‌وند، اسماعیل (۱۳۹۰)؛ نصیری، حسام، محمدیان، عبدالله، تقوی، نعمت‌الله (۱۳۹۸)؛ رسول زاده اقدم، صمد، جعفری، قاسم، سعادت‌ی، موسی، یوسفی اقدم، رحیم (۱۳۹۴)؛ فتح‌الهی، سعید، جربانی، حمید، حسن‌وند، عباس، حسن‌وند، احسان (۱۳۹۱)؛ مقدس جعفری، محمدحسن، ارجمند سیاه‌پوش، اسحاق، محمدی مهر، معصومه (۱۳۹۰)؛ نوری، زینب (۱۳۸۹)؛ یعقوبی دوست، محمود، احمدی بآبادی، علی (۱۳۹۶).	
۵	انحراف یکی از اعضای خانواده و در نتیجه زندانی شدن	الماسی، مسعود، محمد زاده، امید، ملکی، مصطفی (۱۳۹۲)؛ سیف‌الله، فرزانه،، ملاتیاجلودار، شهرام، زمانی راد، اسماعیل (۱۳۹۴)؛ پورمحمی آبادی، حسین، زند رضوی، سید سیامک (۱۳۹۵)؛ پورمحمدی، حسن، ماسوری، حامد (۱۳۹۲)؛ نوری، زینب (۱۳۸۹).	۵
۶	مشکلات عاطفی در خانواده (بی‌توجهی نسبت به مشکلات روانی)	صالحی، جواد، پورمحمی آبادی، حسین، سالاری راد، معصومه (۱۳۹۱)؛ شایگان، فریبا، جبلی، معصومه (۱۳۸۹)؛ پورمحمی آبادی، حسین، زند رضوی، سید سیامک (۱۳۹۵).	۳
۷	اعتیاد یکی از اعضای خانواده	صالحی، جواد، پورمحمی آبادی، حسین، سالاری راد، معصومه (۱۳۹۱)؛ شایگان، فریبا، معتمدی، صدیقه (۱۳۹۳)؛ شایگان، فریبا، جبلی، معصومه (۱۳۸۹)؛ پورمحمی آبادی، حسین، زند رضوی، سید سیامک (۱۳۹۵).	۴
۸	فقر اقتصادی	صالحی، جواد، پورمحمی آبادی، حسین، سالاری راد، معصومه (۱۳۹۱)؛ صادقی فرد، مهدی (۱۳۸۹)؛ پورمحمی آبادی، حسین، زند رضوی، سید سیامک (۱۳۹۵)؛ حسن‌وند، احسان، حسن‌وند، اسماعیل (۱۳۹۰)؛ فاطمی، داوود، رحیمی، عارف، سعادت‌ی، موسی، عباس زاده، محمد (۱۳۹۵)؛ فتح‌الهی، سعید،	۹

ردیف	مفهوم	منبع	فراوانی
		جربانی، حمید، حسن‌وند، عباس، حسن‌وند، احسان (۱۳۹۱)؛ پورمحمدی، حسن، ماسوری، حامد (۱۳۹۲)؛ یعقوبی دوست، محمود، احمدی بآبادی، علی (۱۳۹۶)؛ نوری، زینب (۱۳۸۹).	
۹	تحصیلات والدین	فاطمی، داوود، رحیمی، عارف، سعادت، موسی، عباس زاده، محمد (۱۳۹۵)؛ پورمحمی آبادی، حسین، زند رضوی، سید سیامک (۱۳۹۵)؛ اسکندری چرآتی، آذر (۱۳۹۶).	۳
۱۰	معاشرت با دوستان و همسالان بزهکار	یعقوبی دوست، محمود، احمدی بآبادی، علی (۱۳۹۶)؛ فتح الهی، سعید، جربانی، حمید، حسن‌وند، عباس، حسن‌وند، احسان (۱۳۹۱)؛ رسول زاده اقدم، صمد، جعفری، قاسم، سعادت، موسی، یوسفی اقدم، رحیم (۱۳۹۴)؛ نصیری، حسام، محمدیان، عبدالله، تقوی، نعمت‌الله (۱۳۹۸)، علیرودی نیا، اکبر، ستاره، سیمین (۱۳۹۲)، حسن‌وند، احسان، حسن‌وند، اسماعیل (۱۳۹۰)، سیفی قره یتاق، داوود، خالقی، ابوالفتح، مهدی پور، محمد (۱۳۹۴)، الماسی، مسعود، محمد زاده، امید، ملکی، مصطفی (۱۳۹۲)، صادقی فرد، مهدی (۱۳۸۹)، علی‌خانی بروجنی، حمزه، محمودی برام، احمدرضا (۱۳۹۰)	۱۰
۱۱	کاهش تعهدات خانوادگی	فتح‌الهی، سعید، جربانی، حمید، حسن‌وند، عباس، حسن‌وند، احسان (۱۳۹۱) حسن‌وند، احسان، حسن‌وند، اسماعیل (۱۳۹۰)	۲
۱۲	استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی	الماسی، مسعود، محمدزاده، امید، ملکی، مصطفی (۱۳۹۲)، ایمان، محمد تقی، شیردل، الهام، انجم شعاع، فاطمه، شیردل، حمید (۱۳۹۴)	۲
۱۳	فراغت اینترنتی	ایمان، محمد تقی، شیردل، الهام، انجم شعاع، فاطمه، شیردل، حمید (۱۳۹۴)	۱
۱۴	فراغت گردشی - تفریحی	ایمان، محمد تقی، شیردل، الهام، انجم شعاع، فاطمه، شیردل، حمید (۱۳۹۴)	۱

ردیف	مفهوم	منبع	فراوانی
۱۵	کمبود فضاهای فرهنگی	مقدس جعفری، محمدحسن، ارجمند سیاه‌پوش، اسحاق، محمدی مهر، معصومه (۱۳۹۰)، اسکندری چرآتی، آذر (۱۳۹۶)	۲
۱۶	احترام قائل نشدن برای قانون	علی‌خانی بروجنی، حمزه، محمودی برام، احمدرضا (۱۳۹۰)، رسول زاده اقدم، صمد، جعفری، قاسم، سعادت، موسی، یوسفی اقدم، رحیم (۱۳۹۴)	۲
۱۷	اعتقاد نداشتن به مفید بودن پلیس	علی‌خانی بروجنی، حمزه، محمودی برام، احمدرضا (۱۳۹۰)	۱
۱۸	زندگی در محله خلاف‌کاران	علی‌خانی بروجنی، حمزه، محمودی برام، احمدرضا (۱۳۹۰)	۱
۱۹	تجربیات تلخ کودکی	شایگان، فریبا، جبلی، معصومه (۱۳۸۹)	۱
۲۰	خشونت معلمان	صالحی، جواد، پورمحمی آبادی، حسین، سالاری راد، معصومه (۱۳۹۱)	۱
۲۱	اخراج از مدرسه	صالحی، جواد، پورمحمی آبادی، حسین، سالاری راد، معصومه (۱۳۹۱)	۱
۲۲	بازداشت غیر قانونی طولانی مدت	صالحی، جواد، پورمحمی آبادی، حسین، سالاری راد، معصومه (۱۳۹۱)	۱
۲۳	خشونت ماموران بازداشت و کانون اصلاح و تربیت	صالحی، جواد، پورمحمی آبادی، حسین، سالاری راد، معصومه (۱۳۹۱)	۱
۲۴	پیامدهای منفی محیط زندان	صالحی، جواد، پورمحمی آبادی، حسین، سالاری راد، معصومه (۱۳۹۱)	۱
۲۵	باور احترام به حقوق دیگران	علیوردی نیا، اکبر، ستاره، سیمین (۱۳۹۲)	۱

ردیف	مفهوم	منبع	فراوانی
۲۶	احساس غضب اخلاقی (خشم) اخلاقی همراه با نقض قواعد (اجتماعی)	مبارکی، محمد، افشانی، سید علیرضا، کردعلیوند، سهیلا (۱۳۹۷)	۱
۲۷	بی‌هنجاری	مبارکی، محمد، افشانی، سید علیرضا، کردعلیوند، سهیلا (۱۳۹۷)	۱
۲۸	کاهش خویشترداری	جلایی پور، حمیدرضا، حسینی نثار، مجید (۱۳۸۷)	۱
۲۹	ضعف پیوندهای اجتماعی (اعتقاد و دلبستگی)	جلایی پور، حمیدرضا، حسینی نثار، مجید (۱۳۸۷) مبارکی، محمد، افشانی، سید علیرضا، کردعلیوند، سهیلا (۱۳۹۷)	۲
۳۰	وقت تلف کردن یا ولگردی	خواجه‌نوری، بیژن، هاشمی نیا، فاطمه (۱۳۸۹)	۱
۳۱	جامعه‌پذیری بدون نظارت (تلفن همراه، اینترنت و مانند آنها)	خواجه‌نوری، بیژن، هاشمی نیا، فاطمه (۱۳۸۹)	۱
۳۲	تعریف خنثی از عمل بزهارانه	رسول زاده اقدم، صمد، جعفری، قاسم، سعادت، موسی، یوسفی اقدم، رحیم (۱۳۹۴)	۱
۳۳	کاهش شانس دستیابی به اهداف	رسول زاده اقدم، صمد، جعفری، قاسم، سعادت، موسی، یوسفی اقدم، رحیم (۱۳۹۴)	۱

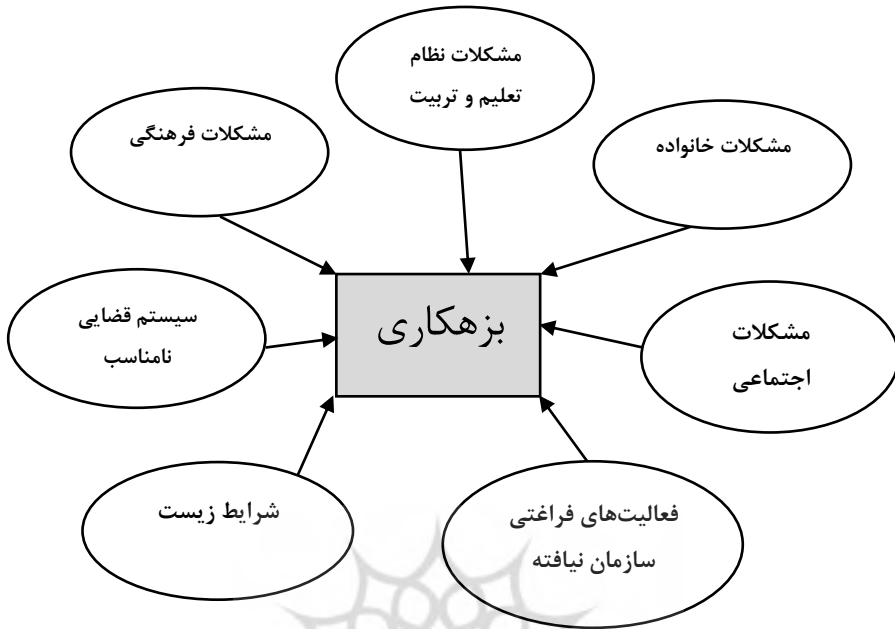
ردیف	مفهوم	منبع	فراوانی
۳۴	تعلق به خانواده	معین، احسن، محمدی، کیوان (۱۳۹۶)، فاطمی، داوود، رحیمی، عارف، سعادت، موسی، عباس زاده، محمد (۱۳۹۵)، سیفی قره یتاق، داوود، خالقی، ابوالفتح، مهدی پور، محمد (۱۳۹۴)	۳
۳۵	محرومیت نسبی	پورمحمدی، حسن، ماسوری، حامد (۱۳۹۲)	۱
۳۶	مشاهده‌های تربیتی مستبدانه یا سهل‌گیرانه همراه با غفلت	نوری، زینب (۱۳۸۹)	۱
۳۷	پایگاه اجتماعی پایین خانواده	نوری، زینب (۱۳۸۹)، پورمحمدی، حسن، ماسوری، حامد (۱۳۹۲) فتح الهی، سعید، جربانی، حمید، حسن‌وند، عباس، حسن‌وند، احسان (۱۳۹۱) حسن‌وند، احسان، حسن‌وند، اسماعیل (۱۳۹۰)	۴
۳۸	تبلیغات رسانه‌های غربی	یعقوبی دوست، محمود، احمدی بابادی، علی (۱۳۹۶)	۱

برای تعیین کیفیت نتایج به منظور کنترل نتایج استخراجی، از نظرات پژوهشگران و یک خبره استفاده شد و سپس مقایسه نتایج از طریق شاخص کاپا^۱ ارزیابی شد.

جدول ۳. مقوله‌بندی عوامل مؤثر بر بزهکاری

مقوله	مفاهیم
مشکلات خانواده	۱- از هم گسیختگی خانواده (طلاق یا فوت یکی از اعضای خانواده)، ۲- آشفتگی خانواده (خشونت و اختلافات خانوادگی)، ۳- پایین بودن حس تعلق به خانواده، ۴- کاهش تعهدهای خانوادگی، ۵- کاهش کنترل و نظارت والدین، ۶- انحراف یکی از اعضای خانواده، ۷- اعتماد یکی از اعضای خانواده، ۸- مشکلات عاطفی در خانواده

مقاله	مفاهیم
	<p>غفلت و بی‌توجهی نسبت به مشکلات روانی و عاطفی)، ۹- تحصیلات پایین والدین، ۱۰- شیوه‌های تربیتی مستبدانه یا سهل‌گیرانه همراه با غفلت، ۱۱- پایگاه اجتماعی پایین خانواده</p>
مشکلات نظام تعلیم و تربیت	<p>۱- خشونت معلمان، ۲- اخراج از مدرسه، ۳- کاهش خویشتن‌داری</p>
مشکلات فرهنگی	<p>۱- استفاده از تولیدهای فرهنگی خارجی، ۲- تضعیف باورها و اعتقادهای مذهبی، ۳- تبلیغات رسانه‌های غربی، ۴- احترام قائل نشدن برای قانون، ۵- اعتقاد نداشتن به مفید بودن پلیس برای جامعه، ۶- متغیر باور (باور احترام به حقوق دیگران، تطبیق با قوانین و مانند آنها)، ۷- تعریف خنثی از عمل بزهکارانه</p>
مشکلات اجتماعی	<p>۱- احساس غضب اخلاقی، ۲- بی‌هنجاری، ۳- ضعف پیوندهای اجتماعی، ۴- جامعه‌پذیری بدون نظارت، ۵- کاهش شانس دستیابی به اهداف، ۶- محرومیت نسبی، ۷- فقر اقتصادی</p>
سیستم قضایی نامناسب	<p>۱- بازداشت غیرقانونی طولانی‌مدت، ۲- خشونت مأموران بازداشت و کانون اصلاح و تربیت</p>
فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته	<p>۱- فراغت اینترنتی، ۲- کمبود فضاهای فرهنگی، ۳- فراغت گردشی - تفریحی، ۴- وقت تلف کردن یا ولگردی</p>
شرایط زیست	<p>۱- تجربه‌های تلخ دوره کودکی، ۲- پیامدهای منفی محیط زندان، ۳- زندگی در محله خلاف کاران، ۴- معاشرت با دوستان و همسالان بزهکار</p>
<p>براساس نتایج بررسی مقالات در جدول ۳، هفت عامل مشکلات خانواده، مشکلات نظام تعلیم و تربیت، مشکلات فرهنگی، مشکلات اجتماعی، نظام قضایی نامناسب، فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته و شرایط زیست و مصادیق آنها به مثابه عوامل موثر بر بزهکاری نوجوانان به دست آمد که در قالب نمودار ۱ ارائه شد.</p>	



نمودار ۱. الگوی عوامل مؤثر بر بزهکاری

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مسائل اجتماعی مدنظر طیف وسیعی از اندیشمندان اجتماعی (حقوق‌دانان، روانشناسان، جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و مانند آنها) بزهکاری نوجوانان است که نسبت به بسیاری از مسائل اجتماعی، موضوعی جدید و متعلق به دوران نوین محسوب می‌شود. بزهکاری نوجوانان اگر مدنظر قرار نگیرد، می‌تواند علاوه بر گرفتار کردن خود شخص سبب به خطر افتادن جامعه نیز شود، هزینه بسیاری را بر دوش کشور وارد کرده و زمینه‌های بروز ناامنی اجتماعی را موجب شود. به این منظور در پژوهش حاضر تلاش شده تا عوامل مؤثر بر این موضوع کنکاش شوند. در همین راستا، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه بزهکاری نوجوانان جمع‌آوری و ضمن ترکیب این نتایج با روش فراترکیب، الگوی عوامل مؤثر حاصل شد که شامل مشکلات خانوادگی، مشکلات نظام قضایی، مسائل اجتماعی، مسائل

فرهنگی، فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته، مشکلات نظام تعلیم و تربیت و شرایط زیست هستند. این عوامل به عنوان پرتکرارترین عوامل در پژوهش‌های گذشته، تاثیر بسزایی در بزهکاری نوجوانان داشته‌اند. دلیل انجام پژوهش حاضر نیز در واقع جمع‌بندی تمام مطالعات موثر گذشته و ارائه مدل پژوهشی جامع از بزهکاری نوجوانان است که تاکنون انجام نشده است.

فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته، متغیرهای مهمی از جمله کمبود فضاهای فرهنگی برای گذران اوقات فراغت، فراغت اینترنتی، فراغت گردش - تفریحی و مانند آنها را دربر می‌گیرد. نتایج به دست آمده با پژوهش‌های ایمان و همکاران (۱۳۹۴)، مقدس جعفری و همکاران (۱۳۹۰) و خواجه نوری و هاشمی‌نیا (۱۳۸۹) همسو است، بدین معنا که افزایش الگوهای فراغتی، موجب افزایش تمایل به بزهکاری نوجوانان می‌شود. در مقوله مشکلات نظام قضایی، با برخوردهای نامناسب متولیان و اثرات سوء به‌جا مانده از آن سروکار داریم که می‌تواند زمینه را برای افزایش بزهکاری فراهم آورد؛ صالحی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود به این عامل به عنوان زمینه‌های موثر بر بزهکاری اشاره کرده‌اند. در بحث از مسائل اجتماعی، با متغیرهای بسیار مهم و تأثیرگذاری چون فقر اقتصادی، احساس غضب اخلاقی، بی‌هنجاری، ضعف پیوندهای اجتماعی، جامعه‌پذیری بدون کنترل و نظارت و محرومیت نسبی روبه‌رو هستیم که نظریات مهم جامعه‌شناختی مانند، آنومی دورکیم و مرتون و کنترل اجتماعی هیرشی بر تأثیر مستقیم آنها بر افزایش انحرافات و بزهکاری‌های اجتماعی صحه گذاشته‌اند. بیشترین فراوانی در بین متغیرهای مربوط به مسائل اجتماعی در پژوهش‌های انجام گرفته مفهوم «فقر اقتصادی» است، بیهوده نیست که عده‌ای از جامعه‌شناسان زیربنای جامعه را اقتصاد می‌دانند، البته فقر اقتصادی مفهومی بسیار کلی است و برای شناسایی و رفع خطرات ناشی از آن باید ابعادش به طور جداگانه بررسی شدند، اما طبق پژوهش‌های گذشته، موضوعاتی همچون نابرابری درآمدی و هزینه‌های اقتصادی از مهم‌ترین ابعاد فقر اقتصادی هستند که زمینه‌های شیوع بزهکاری در یک جامعه را سبب

می‌شوند.

مسائل فرهنگی همچون تضعیف باورها و اعتقادهای مذهبی، تبلیغات رسانه‌های غربی، احترام قائل نشدن برای قانون و متغیر باور (باور احترام به حقوق دیگران، تطبیق با قوانین و مانند آنها) از دیگر عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان است، به ویژه متغیر تضعیف باورها و اعتقادهای مذهبی که با ۱۱ فراوانی، پرتکرارترین متغیر در پژوهش‌های گذشته است و این اهمیت دین را در نگاهداشت جامعه نشان می‌دهد؛ همان‌طور که دورکیم نیز به کارکردهای انضباط‌بخشی و انسجام‌بخشی آن اشاره کرده است. متغیر باور نیز از جمله متغیرهای بسیار مؤثر در بزهکاری یا ترک بزهکاری افراد تلقی می‌شود، یعنی تا مادامی که افراد خود را در مقابل تمام هم‌نوعان دارای مسئولیت‌های اخلاقی بدانند و به مفید بودن قانون برای راحتی زندگی خود اعتقاد راسخ داشته باشند، همواره به قانون پایبند هستند.

مشکلات خانوادگی با متغیرهایی همچون از هم گسیختگی خانواده، آشفتگی خانواده، پایین بودن حس تعلق به خانواده، کاهش کنترل و نظارت والدین، مشکلات عاطفی در خانواده (غفلت و بی‌توجهی نسبت به مشکلات روانی) و مانند آنها نیز از دیگر عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان است، که سه متغیر از هم گسیختگی نهاد خانواده، آشفتگی خانواده و کاهش کنترل و نظارت والدین بیشترین فراوانی را در بین سایر متغیرهای این مقوله دارند، با توجه به اینکه به طور کلی مقوله مشکلات خانوادگی (با ۳ بعد مؤثر) دارای بیشترین ابعاد مؤثر بر بزهکاری نوجوانان است ضرورت توجه به آن الزامی است. نظارت مؤثر والدین بر فرزندان باعث تقویت پیوندهای اجتماعی نوجوان با جامعه می‌شود و فقدان، نظارت این حس همبستگی و پیوند با جامعه را تضعیف می‌کند؛ به همین دلیل هم طبق پژوهش‌های گذشته، از هم گسیختگی خانواده و آشفتگی آن با افزایش بزهکاری‌ها رابطه مستقیم دارد، زیرا بسیاری از اعمال جرم‌آمیز افراد در بزرگسالی، نشأت گرفته از کمبودهای آنان در طول زندگی در محیط خانواده است.

مقوله دیگری که از آن نام برده شد، مشکلات نظام تعلیم و تربیت است، مدرسه خانه دوم

هر انسان و محل اصلی جامعه‌پذیری او است، وقتی این نهاد به درستی وظایف خود را ایفا نکند، در واقع راه را برای پرورش انسان‌هایی فراهم کرده که برای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی احترامی قائل نیستند و به راحتی آن‌ها را زیر پا می‌گذارند.

و به عنوان آخرین مقوله، شرایط زیست، شامل متغیرهایی همچون تجربه‌های تلخ دوره کودکی، پیامدهای منفی محیط زندان، زندگی در محله خلاف‌کاران، معاشرت با دوستان و همسالان بزهکار به عنوان عوامل موثر بر بزهکاری مطرح شدند؛ بعضی از این شرایط زیست در اختیار افراد و عده‌ای دیگر همچون تجربه‌های تلخ دوره کودکی خارج از اراده و اختیار آنان هستند، اما خواه و ناخواه همه این عوامل بر بزهکاری افراد در دوره‌های زندگی‌شان تأثیر بسزایی دارند، به ویژه عامل معاشرت با دوستان و همسالان بزهکار که از جمله مهمترین عوامل پرتکرار در پژوهش‌های گذشته است، این گروه‌ها به دلیل جو عاطفی حاکم بر آنها برای نوجوانان بسیار جذاب هستند و ترجیح می‌دهند بیشتر اوقات خود را با آنان بگذرانند، در نتیجه تحت تأثیر رفتارهای آنان، دل‌بستگی این افراد نسبت به خانواده و جامعه کمتر و نسبت به ضد ارزش‌های گروه همسالان بیشتر می‌شود و همین سبب بروز بزهکاری در میان نوجوانان می‌شود.

پیشنهادها

- بدین ترتیب با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
- تلاش دولت برای رونق اقتصادی و تامین اجتماعی اقشار بی بضاعت و کم بضاعت؛
 - رواج ارزش‌های موافق با کرامت و حفظ خانواده در جامعه؛
 - اهتمام خانواده‌ها در تربیت فرزندان و کنترل از راه دور آنها؛
 - اهتمام مسئولان امر برای افزایش فعالیت‌های مناسب فراغتی با در اختیار گذاشتن طیف وسیعی از فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی در اختیار نوجوانان؛
 - حمایت از افراد بزهکار بعد از طی دوران مجازات و مانند آن.

منابع

- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. تهران: ندای آریانا.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آن.
- امین‌صارمی، نوذر. (۱۳۸۰). انحرافات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های معارض. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- احمدی، حبیب‌الله. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت.
- محمدی‌اصل، عباس. (۱۳۸۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی انحرافات رفتاری نوجوانان (بزهکاری نوجوانان). رشت: حق‌شناس.
- وایت، راب و هینس، فیونا. (۱۳۸۲). درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی. میر روح اله صدیق بطحایی اصل، مترجم. تهران: دادگستر.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). وندالیسم. تهران: انتشارات آن.
- اسکندری چوآتی، آذر. (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی: نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۹ سال شهر آزادشهر). فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۳(۳۴)، صص ۱۸۵-۲۰۶.
- اشرف، احمد. (۱۳۹۳). کز رفتاری و مسائل انسانی و آسیب‌شناسی اجتماعی. مجموعه گفتارهای درسی. تهران: انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- اشتینبرگ، ال. (۱۳۸۴). نوجوانی. فرهاد ماهر، مترجم. تهران: سازمان ملی جوانان.
- الماسی، مسعود؛ محمدزاده، امید و ملکی، مصطفی. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مرتبط با گرایش پسران نوجوان شهر ایلام به رفتار بزهکارانه. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۲(۵)، صص ۱۲۵-۱۴۰.
- ایمان، محمدتقی؛ شیردل، الهام؛ انجم شعاع، فاطمه و شیردل، حمید. (۱۳۹۴). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل دختران نوجوان به بزهکاری در شهر کرمان. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۴(۲۸)، صص ۲۰۳-۲۲۶.
- پورمحمی‌آبادی، حسین؛ زند رضوی، سید سیامک. (۱۳۹۵). چالش‌های عاطفی خانواده و تأثیر آن بر بزهکاری کودکان (مطالعه میدانی کودکان حاضر در کانون اصلاح و تربیت استان کرمان). حقوق جزا و سیاست جنایی، ۱(۱)، صص ۲۵-۵۰.
- جلایی‌پور، حمیدرضا و حسینی‌نثار، حمید. (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی شهر رشت). پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۸(۲)، صص ۷۷-۱۰۲.

حسن‌وند، احسان و حسن‌وند، اسماعیل. (۱۳۹۰). بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان سلسله در استان لرستان). فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۲(۲)، صص ۲۱-۳۶.

حق‌شناس، علی‌محمد؛ صامعی، حسین و انتخابی، نرگس. (۱۳۸۷). فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی: در یک جلد. چاپ سیزدهم. تهران: فرهنگ معاصر.

خواجه نوری، بیژن و هاشمی‌نیا، فاطمه. (۱۳۸۹). رابطه اوقات فراغت و بزهکاری نمونه، مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۷(۱۵)، صص ۳۱-۵۸.

رسول‌زاده اقدم، صمد؛ جعفری، قاسم؛ سعادت‌تی، موسی و یوسفی اقدم، رحیم. (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی سهم عوامل ساختاری و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۶، صص ۱۴۳-۱۷۸.

سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کجروی. چاپ دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سیف‌الله، فرزانه؛ ملانیا جلودار، شهرام و زمانی‌راد، اسماعیل. (۱۳۹۴). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان ۱۸-۱۲ ساله به بزهکاری در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۶(۱۸)، صص ۷۳-۹۸.

سیفی قره‌یتاق، داوود؛ خالقی، ابوالفتح و مهدی‌پور، محمد. (۱۳۹۴). بررسی جرم‌شناختی تأثیر عوامل فردی و خانوادگی بر حجم و ساخت بزهکاری. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۰(۴)، صص ۹-۳۶.

ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). دائرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.

شایگان، فریبا و معتمدی، صدیقه. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در بزهکاری زنان، مقایسه زنان بزهکار با زنان غیربزهکار تحت پوشش بهزیستی رباط کریم. مطالعات راهبردی زنان، ۱۶(۶۳)، صص ۱۶۳-۱۹۸.

شایگان، فریبا و جبلی، معصومه. (۱۳۸۹). بررسی عوامل فردی مؤثر بر گرایش بزهکاری زنان. نشریه پلیس زن، ۴(۱۳)، صص ۶۳-۱۰۰.

صادقی‌فرد، مهدی. (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن. مطالعات پیشگیری از جرم، ۵(۱۶)، صص ۸۵-۱۱۴.

صالحی، جواد؛ پورمحمی‌آبادی، حسین و سالاری‌راد، معصومه. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری اولیه و ثانویه کودکان. مهندسی فرهنگی، ۷(۷۳ و ۷۴)، صص ۱۱۹-۱۳۳.

علی‌خانی بروجنی، حمزه و محمودی‌برام، احمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان و جوانان استان خوزستان. اصلاح و تربیت، ۱۰(۹)، صص ۷-۱۰.

علیوردی‌نیا، اکبر و ستاره، سیمین. (۱۳۹۲). بررسی نقش خانواده، مدرسه و گروه همالان در بزهکاری دانش‌آموزان. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۴(۴)، صص ۷۹-۱۰۳.

فاطمی، داوود؛ رحیمی، عارف؛ سعادت، موسی و عباس‌زاده، محمد. (۱۳۹۵). بررسی نقش خانواده در بزهکاری فرزندان (مورد مطالعه: نوجوانان پسر شهر زنجان). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۵(۳)، صص ۵۰-۳۵.

فتح‌الهی، سعید؛ جربانی، حمید؛ حسن‌وند، عباس و حسن‌وند، احسان. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری و میزان شیوع آن در بین دانش‌آموزان. پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۷(۳)، صص ۶۱-۸۸.

مبارکی، محمد؛ افشانی، سیدعلیرضا و کردعلیوند، سهیلا. (۱۳۹۷). تحلیل رابطه بین تعهد اجتماعی و بزهکاری: مطالعه مقایسه‌ای میان دانش‌آموزان مقطع متوسط شهرهای خرم‌آباد و یزد. مطالعات اجتماعی ایران، ۱۲(۲)، صص ۱۱۱-۱۳۵.

معین، احسن و محمدی، کیوان. (۱۳۹۶). بررسی پیامدهای رابطه زندان پدران بر بزهکاری (جرم‌خیزی) نوجوانان (مطالعه موردی: زندانیان و فرزندان زندان همدان). فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱(۸)، صص ۲۰۳-۲۱۸.

معظمی، شهلا و نجیب اصفهانی، زینب. (۱۳۹۱). تأثیر خشونت‌های خانوادگی بر بزهکاری کودکان و نوجوانان. مطالعات پیشگیری از جرم، ۷(۲۲)، صص ۵۹-۸۹.

مقدس جعفری، محمدحسن؛ ارجمند سیاه‌پوش، اسحاق و محمدی مهر، معصومه. (۱۳۹۰). بررسی علل بزهکاری در میان جوانان مناطق حاشیه‌نشین شهر اندیمشک در ده سال اخیر (۱۳۸۰-۱۳۹۰). توسعه اجتماعی، ۶(۱)، صص ۲۹-۵۲.

نورمحمدی، حسن و ماسوری، حامد. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر بزهکاری مددجویان کانون اصلاح و تربیت قزوین در سال ۱۳۹۱. اصلاح و تربیت، ۱۳۳(۱)، صص ۱۹-۲۳.

نصیری، حسام؛ محمدیان، عبدالله و تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۹۸). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد. مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۶(۶۰)، صص ۱۰۸-۱۲۲.

نوری، زینب. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر خانواده نابسامان در گرایش فرزندان نوجوان به بزهکاری در شهر اهواز. اصلاح و تربیت، ۹۶(۹۶)، صص ۲۹-۳۶.

یعقوبی دوست، محمود و احمدی بابادی، علی. (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط بر گرایش نوجوانان پسر به بزهکاری و راه‌های پیشگیری از آن (مورد مطالعه: نوجوانان شهر اهواز). مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۱۰(۱)، صص ۱۹-۵۰.

Cooper, H. Hedges, L. v. (2009). Research synthesis as scientific process. A chapter on: the Handbook of Research synthesis and Meta-Analysis (2ed). Ruaeell sage.

Sandelowski, M. & Barroso, J. (2007). Handbook for synthesizing qualitative research. New York: Springer.